

نقش هنر در تبیین وحدت وجود از طریق بررسی آثار امام خمینی (ره) و مولانا

چکیده

نظریه وحدت وجود که یکی از ارکان اسلامی و مهم شاخه عرفان نظری و استخوان بندی محکم این مقوله است. این موضوع از دیرباز مورد بررسی و تحلیل صاحب نظران و کارشناسان بزرگ عرفان قرار گرفته، و عارفانی چون ابن عربی که از بنیان گذاران عرفان اسلامی و نظریه پردازان عرفان نظری می باشند. همچنین مولانا جلال الدین محمد بلخی (مولانا) و امام خمینی (ره) در دوره معاصر ادامه دهندگان راه این عارف بزرگ بوده و درباره وحدت وجود نظرات مهم و جدیدی ارائه داده و آن را به شکل قابل تقدیری ترسیم کرده اند. ولی هنوز این طرح جای سخن داشته و سخنان جدیدی برای علاقه مندان و جویندگان حقیقت دارد؛ وحدت وجود یعنی اینکه عالم یکی است و هرچه غیر از آن، مظاهر و تجلیات او هستند و بدون وجود او عالم عدم است، و وجودی ندارد که این است مفهوم وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت، که از طریق رسیدن به این حقیقت، شیفتگان وادی عرفان و سالکان طریق سیرو سلوک، در این سفر معنوی رهنمون به سوی حقیقتی واحد شده و آرامشی را که گمشده ره یافتگان به این وادی است دریافت کرده و با وصل به این حقیقت به توحید و اطمینان واقعی نائل می شوند. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده های منابع کتابخانه ای انجام شده است. یافته های پژوهش حاکی از این است که وحدت وجود یکی از مقوله های محوری در اندیشه های مولانا و امام خمینی (ره) است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی اهمیت هنر در تبیین وحدت وجود.

۲. بررسی اصل وحدت وجود در اندیشه های مولانا و امام خمینی (ره).

سؤالات پژوهش:

۱. هنر در تبیین وحدت وجود چه نقشی می تواند داشته باشد؟

۲. اصل وحدت وجود در اندیشه های مولانا و امام خمینی (ره) چه جایگاهی دارد؟

کلیدواژه ها: ابن عربی، مولانا، هنر، امام خمینی (ره)، وحدت وجود.

مقدمه

مقوله وحدت که از مقولات مهم عرفان نظری است و یکی از اساسی‌ترین ارکان عرفان نظری و استخوان‌بندی آن می‌باشد. این مقوله در اندیشه عرفا و فلاسفه متعددی بررسی شده است. مولانا جلال‌الدین بلخی معروف به مولوی یا مولانا و حضرت امام خمینی (ره) از شخصیت‌هایی هستند که به این مقوله توجه داشته‌اند. امام خمینی (ره) هم در جامعه ایران و هم در جوامع دیگر یک شخصیت سیاسی هستند که رهبر انقلاب اسلامی بوده و معروف شد، نشان به دلیل این بُعد شخصیتی وجودشان است و بُعد عرفانی ایشان را کمتر کسی می‌شناسد که در این مقاله تلاش گردیده که بُعد عرفانی وجود ایشان به جهانیان معرفی گردد و همچنین مقام شامخ ایشان باشخصیت شناخته‌شده مولوی که به جرئت می‌توان گفت کم‌تر کسی است که ایشان را نشناسد و نام مثنوی معنوی را نشنیده باشد مقایسه گردیده و در این مقاله ترسیم گردیده و به بیان نظرات این دو بزرگوار پرداخته که مولانا و امام، وحدت وجود را چگونه می‌شناسند؟ و چگونه معنا کرده‌اند؟

نظریه وحدت وجود مولانا و امام از نظریه وحدت وجود ابن عربی نشأت گرفته و هر دو بزرگوار مانند ابن عربی که از بنیان‌گذاران عرفان اسلامی می‌باشد هم‌عقیده‌اند که وجود در عالم یکی است و آن ذات واحد احدیت می‌باشد و بقیه موجودات همه مظاهر و تجلیات این وجود واحد هستند و امام و مولانا وحدت شخصیه وجود را قبول دارند همچون ابن عربی که او هم وحدت شخصیه وجود را قبول دارد. آن‌چنان‌که می‌فرماید. حق در اشیاء شناخته نمی‌شود؟ مگر با ظهور اشیاء و از میان برداشته شدن حکم آن‌ها، کسانی که از فتوح مکاشفه بهره‌مندند، چشمشان در اشیاء جز به خدا نمی‌افتد. بعضی از ایشان حق را در اشیاء می‌بینند و بعضی دیگر اشیاء را می‌بینند و حق را در آن‌ها میان این دو فرق است، زیرا گروه اول، در هنگام (فتح) چشمشان جز به حق نمی‌افتد و او را در اشیاء می‌بینند و گروه دوم چشمشان به اشیاء می‌افتد و حق را در آن‌ها می‌بینند. همان‌طور که گفته شد ابن عربی نظریه‌اش وحدت وجودی است. (وحدت شخصیه وجود) او وجود را اصل، اصل‌ها و همان الله می‌داند، که به واسطه او همه مراتب وجود نمایان شده و حقایق عالم تعیین یافته‌اند، پس از منظر ابن عربی تمام عالم هستی و موجودات عالم مظاهر و جلوه‌گاه حق هستند، در صورت اعیان ثابته که وجودشان، بدون وجود (حق) محال است. وحدت شخصیه وجود در نگاه عرفا در یک کلمه عبارت است از وجود شخصی بی‌نهایت که تمام هستی و همه واقع و خارج را پر کرده است. به صورتی که دیگر برای وجود غیر و دوم جایی نیست و به عبارت دیگر یک وجود به هم پیوسته‌ی یکپارچه و بی‌نهایت، همه متن واقع را در همه سطوح و مراتب پر کرده است و این وجود بسیط صرف و مطلق وجود، همان حق تعالی و خداوند متعال است.

امام خمینی (ره) نیز در دیوان شعرش که به تعبیر علامه حسن‌زاده آملی «دیوان امام، امام دیوان‌هاست» به زیبایی از تمثیل موج و دریا یاد کرده است و می‌گوید:

سر زلفت به ناری زن و رخسار گشا	تا جهان محو شود، خرقة کشد روی فنا
ما همه موج و تو دریای جمالی‌ای دوست	موج دریاست، عجب آن که نباشد دریا

(خمینی، ۱۳۸۷: ۴۳).

همچنین مولانا در این ابیات زیبا می‌فرماید: که هر چیز در این عالم است، وجودش از وجود لایزال الهی است.

قطره‌ای که در هوا شد یا بر بخت

از خزینه‌ی قدرت تو کی گریخت

گرد آید در عدم یا صد عدم

چو بخوانیش، او کند از مکر قدم

یعنی قطره‌ای که به وسیله باد محو می‌شود، فقط تو می‌توانی آن را از خاک‌ها و بادهای پس‌بگیری و دوباره او را قطره‌سازی و اگر آن قطره به عدم درآید و یا صدبار معدوم شود به مجرد اینکه آن را به‌سوی وجود بخوانی، آن قطره ذاتش، از سر، قدم می‌سازد، یعنی با شوق به‌سوی وجود می‌آید (زمانی، ۱۳۷۲: ۵۸۵). این‌ها همه مبین نظریه وحدت شخصیه وجود هستند که در این نگارش هدف شناساندن و تبیین این اصل مهم عرفان اسلامی است. بررسی پیشینه پژوهش حاکی از آن است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است لذا در پژوهش حاضر که به روش توصیفی و و تحلیلی انجام شده است به بررسی دقیق این موضوع می‌پردازد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش باتوجه به پرداختن به نظریه وحدت وجود از دیدگاه امام خمینی (ره) و مولانا به این نتیجه می‌رسیم که هر دو بزرگوار قائل به وحدت شخصیه وجود هستند و جهان را قائم به یک وجود مطلق می‌دانند که اگر این وجود نبود، هیچ نبود و هستی وجود نداشت و هرچه بود عدم و نیستی بود و اگر موجوداتی در عالم هستی نظاره می‌کنند، به دلیل وجود ذات مطلق است که تمامی عالم تجلیات و مظاهر او هستند و بدون او عدم‌اند و این وجود احدیت در مقام ذات و واحد است در مقام اسماء و صفات و تمامی موجودات عالم هستی اسماء و صفات ذات پروردگار هستند و این مقام ذات در اسم اعظم «الله» متجلی می‌شود؛ یعنی «الله» مجلای ذات «احدیت» و «واحدیت» است؛ و مستجمع تمامی اسماء الهی است. و همه اسماء پروردگار در آن مندرک و مندمج هستند و یک وجه ید الحقی دارد که مربوط به ذات او می‌شود همان احدیت یا فیض اقدس و یک وجه ید الخلقی دارد که مربوط به ذات او می‌شود همان احدیت یا فیض اقدس و یک وجه ید الخلقی دارد که واحدیت یا فیض مقدس است و نظریه وحدت وجود یعنی پذیرفتن وحدت در کثرت و کثرت در وحدت که هم امام و هم مولانا به این نظریه قائل هستند و این وجه اشتراک نظریه وحدت وجودی این دو بزرگوار است که از نظریه وحدت شخصیه وجود ابن‌عربی که از بنیان‌گذارین عرفان اسلامی نشأت گرفته است. همچنین نتیجه می‌گیریم که امام خمینی (ره) در عصر معاصر بین حقیقت و شریعت و طریقت به مقام جمع رسیده‌اند و با نظرات خود ثابت کرده‌اند که این سه مقوله با هم یکی هستند و هیچ منافاتی باهم ندارند و همچنین با شناساندن بُعد عرفانی وجود ایشان در کنار شخصیت سیاسی این بزرگوار خط بطلان به تمامی برداشت‌های غلطی که در زمینه عرفان وجود دارد، کشیده می‌شود که عرفان انزواطلبی و دوری جستن از جامعه نیست و یک سالک عارف می‌تواند در مقام نبوت و امامت و ولایت به رهبری تمامی انسان‌ها قیام کرده و سلوک حقیقی با حق در میان خلق بودن است. اندیشه وحدت وجود در هنر اسلامی نیز در نمادهای گوناگونی بازتاب یافته است.

قرآن

- ابن عربی، محی الدین. (۵۵۹ ق). فتوحات مکیه، ج ۲، تهران: انتشارات شهر.
- امینی نژاد، علی. (۱۳۹۰). آشنایی با مجموعه عرفان اسلامی، قم: مؤسسه آموزشی امام خمینی (ره).
- انصاری، خواجه عبدالله. (۱۳۳۹ ق). کشف الاسرار، تهران: امیرکبیر.
- اکبرآبادی، محمد. (۱۳۸۳). گیسوم، تهران: سمت.
- جامی، عبدالرحمن. (۱۳۹۵ ق). نفحات الانس، تهران: تهران.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۷). حماسه و عرفان، قم: نشر اسراء.
- خمینی، روح الله. (۱۳۸۷). دیوان امام خمینی (ره)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خرمشاهی، قوم الدین. (۱۳۷۵ ش). کشف الابیات، تهران: دوستان.
- زمانی، کریم زمانی. (۱۳۷۲). شرح مثنوی، ج ۱، تهران: اطلاعات.
- سوزنگر، میترا؛ فریدونی، پگاه. (۱۳۹۳). «وحدت و کثرت در هنر اسلامی». کنفرانس ملی مهندسی عمران و توسعه پایدار ایران.
- عطار، فریدالدین. (۱۳۴۲ ق). منطق الطیر، تهران: سمت.
- قیصری، داود. (۱۴۱۷ ق). شرحی بر فصوص الحکم، تهران: مؤسسه آموزشی امام خمینی (ره).
- کی منش، عباس. (۱۳۶۶ ش). پرتو عرفان، ج ۲، تهران: سعدی.
- مولوی، جلال الدین محمد. (۶۷۲ ق). مثنوی معنوی، تهران: انتشارات هرمس.
- همدانی، عین القضاة. (۱۳۷۰). تمهیدات، تهران: انگیزه مهر.